

پیمان جهانی محیط زیست؛ از قوام نیافتگی منابع تا توسعه هنجارهای زیست‌محیطی ملل متحد

علی مشهدی*

وحید کوثری**

تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۹/۱۳

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۴/۰۷

چکیده

تصویب قطعنامه مجمع عمومی سازمان ملل متحد تحت عنوان «به سوی پیمان جهانی محیط زیست» در مه ۲۰۱۸، آغاز تحول مهمی است که در حوزه حقوق بین‌الملل محیط زیست در حال رخ دادن است. مقاله حاضر درصدد است با رویکرد توصیفی-تحلیلی، ضرورت تأکید بر الزام‌آوری اصول و هنجارهای زیست‌محیطی و همچنین چرایی تدوین کنوانسیون ساختاری زیست‌محیطی در مقابل انبوهی از معاهدات زیست‌محیطی را بررسی، و رویکرد حقوق بشری پیمان را با توجه به رویه جدید دیوان بین‌المللی دادگستری در محض‌نگری به مقوله محیط زیست تحلیل نماید. این مقاله در پایان نتیجه می‌گیرد که انجام اصلاحات در بُعد هنجاری ضروری است و تصویب پیمان گامی مؤثر در این راستا توصیف می‌گردد. همچنین، تدوین کنوانسیون ساختاری الزام‌آور ضرورتی انکارناپذیر است که هرچند بر خلاف رویه معمول، یعنی نخست بیان قواعد اصلی و اساسی در قالب کنوانسیون‌های ساختاری و سپس شکل‌گیری مقررات مختلف ذیل آن، روندی معکوس را طی کرده و قواعد اساسی و پایه، پس از شکل‌گیری هنجارهای مختلف در حال معرفی شدن است، انجام آن اجتناب‌ناپذیر می‌نماید. رویکرد انسان‌محوری سند نیز تأکیدی است بر درهم‌تنیدگی حقوق محیط زیست

* دانشیار، دانشکده حقوق، دانشگاه قم (نویسنده مسئول)

droitenviro@gmail.com

** دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق، دانشگاه قم

laforet.ciel@yahoo.com

و حقوق بشر که منافاتی با رویه اخیر دیوان ندارد که بر اساس آن به مقوله محیط زیست (فی نفسه) توجهی خاص شده و مفهوم خسارات محض زیست محیطی جایگزین خساراتی شده است که با محوریت انسان موضوعیت می یابند.

کلیدواژگان:

اصلاح هنجاری زیست محیطی، پیمان جهانی محیط زیست، حقوق بین الملل محیط زیست، کاستی های زیست محیطی.

مقدمه

محیط زیست بشری، به عنوان یکی از ارکان اساسی تداوم حیات، همواره نیازمند توجه ویژه همگانی در عرصه داخلی و بین‌المللی است. فعالیت‌های انسان و مداخله وی در طبیعت ضمن بروز آسیب‌های جدی به طبیعت، حیوانات، آب، هوا، جنگل‌ها، اراضی و دریاها، لایه اوزن و ... به ویژه در قرن حاضر، به حدی فاجعه‌آمیز بوده است که نه فقط سلامت و حیات وی را با مشکل جدی مواجه ساخته، بلکه حتی بر سایر زمینه‌های زندگی بشری نظیر فرهنگ و تمدن نیز اثرگذار بوده است. حتی موفقیت‌های حاصله انسان در تولید غذا نیز بدون تخریب زمین و منابع آن میسر نبوده است.^۱ اهمیت اقدام عاجل جامعه بین‌المللی در برابر اقدامات مخرب زیست‌محیطی موجب شد تا در سال ۱۹۷۲ میلادی، پایتخت سوئد، محل تجمع دولت‌هایی گردد که به درک ضرورت چاره‌اندیشی در برابر فجایع زیست‌محیطی قرن افتاده، مفاهیم ارزشمندی را در حمایت از محیط زیست مطرح نمایند. متعاقب کنفرانس استکهلم ۱۹۷۲ راجع به انسان و محیط زیست^۲ و نیز به دنبال برگزاری اجلاس زمین در ریو در سال ۱۹۹۲، دغدغه‌های مهمی در ضرورت مهار فعالیت‌های مخرب بشری نسبت به محیط زیست پدیدار گشت.^۳ یکی از مهم‌ترین دستاوردهای این کنفرانس‌ها، ایجاد دغدغه جهانی نسبت به محیط زیست و موضوع به رسمیت شناخته شدن ویژگی جهانی مشکلات مربوط به آن بود. در واقع، برگزاری این کنفرانس‌ها که نقطه عطفی در زمینه توسعه سیاست‌های بین‌المللی درباره محیط زیست محسوب می‌گردد، با هدف ایجاد یک ساختار بین‌المللی برپایه هماهنگ‌سازی بیشتر، همکاری و مشارکت کشورها برای اقدامات بین‌المللی در زمینه معضلات زیست‌محیطی صورت گرفت.^۴ پس از برگزاری این کنفرانس‌ها در

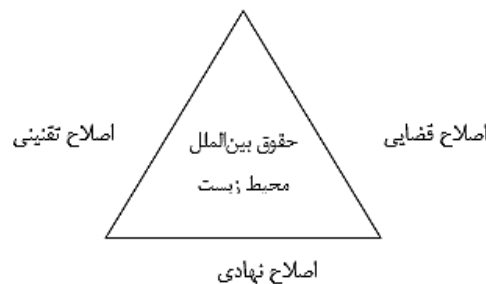
۱. بادام فیروز، جلیل و دیگران، *چالش‌ها و مدیریت منابع آب در ایران*، انتشارات فرهنگ مانا، ۱۳۹۷، ص ۳۷۲.
 ۲ - Conférence des Nations Unies sur l'Environnement Humain (Stockholm), 16 juin - Conférence de Stockholm,
<http://ise.unige.ch/isdd/spip.php?article47>, visited on 01/04/2019.

۳. برای مطالعه بیشتر رک: نبی بیدهندی، غلامرضا و دیگران، *مفاهیم و پیامدهای تغییر آب و هوا با مروری بر ملاحظات پروتکل کیوتو*، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۶، صص ۵۰-۴۷.

4. Bartenstein, Kristin. "De Stockholm à Copenhague: genèse et évolution des responsabilités communes mais différenciées dans le droit international de l'environnement." *McGill Law Journal/Revue de droit de McGill* 56.1 2010: 177-228. Et voir: Corcelle, Guy. "20 ans après Stockholm: la conférence des Nations Unies de Rio sur l'environnement et le développement: point de départ ou aboutissement." *Revue du Marché Commun* 365.1993: 107-135.

مدیریت مسائل زیست‌محیطی جهان، به ویژه برای مقابله با تغییرات آب و هوایی، حفاظت از تنوع زیستی و مبارزه با گسترش بیابان با ظهور کنوانسیون‌های مرتبط و ملزم شدن کشورها به اجرای این معاهدات تعهدآور بین‌المللی، تحولی بنیادین صورت گرفت و نوعی اعمال حاکمیت بین‌المللی زیست‌محیطی در جهان جاری شد که تاکنون نیز با فراز و نشیب بسیار در جریان است.^۱

علی‌رغم تلاش‌ها، فعالیت‌ها و گام‌های مؤثری که از سوی نهادهای متولی اعمال حاکمیت مسائل زیست‌محیطی برداشته شد، متأسفانه کماکان به دلایل مختلفی نوعی آشفتگی و ناهماهنگی در اعمال حاکمیت بین‌المللی زیست‌محیطی وجود داشته است. مهم‌ترین این چالش‌ها را در عرصه محیط زیست بین‌المللی می‌توان در این موارد خلاصه کرد: ۱- فقدان انسجام در ساختار حاکمیت بین‌المللی زیست‌محیطی؛ ۲- تعدد و تنوع منابع حقوق بین‌الملل محیط زیست؛ ۳- ناکافی بودن ضمانت اجرای حقوق بین‌الملل محیط زیست و فقدان مرجع قضایی تخصصی بین‌المللی.^۲ بنابراین به نظر می‌رسد هرگونه اصلاح حقوق بین‌الملل محیط زیست جز از طریق مثلث زیر قابل تحقق نخواهد بود.



بدین ترتیب، یکی از اشکالات جدی محیط زیست در سطح بین‌المللی، فرایند بین‌المللی تقنینی آن است که به تعدد منابع انجامیده است. به همین دلیل، از همان سال‌ها ایده تدوین یک سند جهانی محیط زیست و الزام‌آور مطرح گردید.^۳ ایده تدوین پیمان جهانی محیط زیست نیز در

۱. عبدالله تابار، فروغ، «ارزیابی اصول حقوق بین‌الملل محیط زیست در ارتباط با توسعه پایدار»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق، دانشگاه گیلان، شهریور ۱۳۹۴، ص ۴۳.

۲. جواد، علی‌رضا، سیدعباس پورهاشمی و شیرین شیرازیان، **ظرفیت‌ها و محدودیت‌های توسعه و تدوین حقوق بین‌الملل محیط زیست (با رویکردی انتقادی)**، علوم و تکنولوژی محیط زیست، دوره بیستم، بهار ۹۷، شماره ۱، صص ۱۳۹-۱۳۳.

3. Maljean-Dubois, Sandrine, and Lavanya Rajamani, eds. *La mise en oeuvre du droit international de l'environnement*. Martinus Nijhoff, 2011.p14.

همین راستا بوده است.^۱ در واقع کثرت و تنوع منابع زیست‌محیطی که آمار آن در خصوص معاهدات چندجانبه و موافقت‌نامه‌های دوجانبه به عدد ۵۰۰ رسیده است،^۲ در کنار اصلاحات مختلف و بیشماری که بر آنها وارد شده و عدد آن صرفاً در مورد معاهدات (تعداد و اصلاحات راجع به معاهدات) به ۲۱۷۴ می‌رسد،^۳ نوعی سردرگمی در تبعیت از هنجارهای زیست‌محیطی ایجاد نموده است. کثرت تعهدات، مستلزم وجود ابزارهای گسترده پیگیری انجام آنها نیز بوده و از طرفی ضرورت گزارش‌دهی‌های متعدد دولت‌ها به مراجع و سازمان‌های مختلف که امروزه تقریباً تمام سازمان‌های بین‌المللی به نحوی از انحا به موضوع محیط زیست ورود پیدا کرده‌اند، نیز تا حد زیادی برای دولت‌ها آزاردهنده است.^۴ بی‌شک ایجاد انسجام در مطالبه و پیگیری اجرای چنین هنجارهایی، نیازمند ساختاری منسجم و متمرکز است که به نظر می‌رسد، حتی از عهده متولیان فعلی ساختار زیست‌محیطی نظام ملل متحد خارج است. مقاله حاضر درصدد است ابعاد مختلف پیش‌نویس پیمان جهانی محیط زیست را که به همت باشگاه حقوق‌دانان فرانسه تهیه شده است، معرفی و تا حد ممکن دستاوردهای آن را بیان نماید. این پیش‌نویس نیازمند تصویب دولت‌هاست و تا مرحله تبدیل شدن آن به یک کنوانسیون بین‌المللی راه زیادی باقی مانده است و چه بسا در سیر مراحل تصویب دستخوش تغییرات احتمالی بسیاری گردد، اما به عنوان اقدامی جدی در این مرحله، بررسی آن حائز اهمیت است. بدین منظور، پرسش اصلی پژوهش حاضر آن است که اساساً در چارچوب گفتمان توسعه پایدار و با توجه به ضرورت انعطاف‌پذیر بودن هنجارهای زیست‌محیطی به منظور همراهی با نیازهای توسعه‌ای کشورها، چه دلیلی برای تأکید بر الزام‌آوری این هنجارها و تلاش برای اساسی‌سازی آنها وجود دارد؟ همچنین با عنایت به وجود انبوهی از اسناد و کنوانسیون‌های متعدد زیست‌محیطی که متناسب با تعدد موضوعات مختلف تدوین شده‌اند، چه دلیلی برای حرکت به سمت انعقاد پیمان‌های جامع زیست‌محیطی نظیر پیمان

1. Paillon, Nora. "Le Pacte mondial pour l'environnement: un appui à la gouvernance mondiale de l'environnement?" *Revue québécoise de droit international/Quebec Journal of International Law/Revista quebequense de derecho internacional* 31.2. 2018: 71-102.

2 -Barchiche, D. *et al*, " Qu'attendre d'un Pacte mondial pour l'environnement ? ", Iddri, Décryptage, n°1, 2019, p. 1.

3. <https://www.ecolex.org/result/?type=treaty>, visited on 01/04/2019.

۴. بیران، صدیقه، **اصلاح ساختار سازمان ملل متحد در زمینه محیط زیست**، فصلنامه راهبرد، پاییز ۱۳۸۵، شماره ۴۱، ص ۱۶۴.

جهانی محیط زیست وجود دارد؟ پیکربندی ساختار مباحث مقاله، از ابتدا تا انتها، بر بستر معرفی پیمان پیش رفته، لکن با توجه به تحلیلی بودن ماهیت پژوهش، پاسخ پرسش‌های فوق در دل تبیین ابعاد مختلف پیمان جای می‌گیرد و این امر وجه تمایز اثر پیش‌رو از بُعد توصیفی صرف محسوب می‌گردد.

۱. تصویب پیمان پاسخی به کاستی‌های حقوق بین‌الملل محیط زیست مندرج در گزارش دبیرکل سازمان ملل متحد

در اجرای قطعنامه ۷۲/۲۷۷ مجمع عمومی تحت عنوان «به سوی پیمان جهانی محیط زیست»،^۱ مجمع از دبیرکل سازمان ملل متحد درخواست نمود تا در هفتاد و سومین نشست خویش در ۲۰۱۸ میلادی، گزارشی فنی مبتنی بر داده‌های واقعی ارائه دهد که بر اساس آن خلأها و کاستی‌های احتمالی حقوق بین‌الملل محیط زیست و متون مربوطه مورد بررسی قرار گیرد.^۲ دبیرکل سازمان ملل نیز در گزارشی تحت عنوان «خلأهای حقوق بین‌الملل محیط زیست و متون مربوط به آن: به سوی پیمان جهانی محیط زیست»، به ذکر این کاستی‌ها در حقوق بین‌الملل محیط زیست و متون مربوطه و نیز ساختار حاکمیت و اجرای حقوق بین‌الملل محیط زیست پرداخت که مهم‌ترین آنها شامل موارد مذکور در بندهای چهارگانه ذیل می‌شد.

الف) چارچوب هنجاری جامعی که به منزله اصول و قواعد اجرای عام حقوق بین‌الملل محیط زیست باشد، وجود ندارد. هرچند که این اصول می‌توانند بر اساس رویکرد فعلی در متحد ساختن حقوق بین‌الملل محیط زیست و پر کردن خلأ مقررات در معاهدات، مشارکت و مساعدت نمایند. اگرچه برخی اصول حقوق بین‌الملل محیط زیست به دلیل آنکه در معاهدات چندجانبه زیست‌محیطی راجع به موضوعاتی خاص گنجانده شده است، شناخته شده محسوب می‌شوند و برخی دادگاه‌ها و محاکم بین‌المللی نیز آنها را مورد تأیید قرار داده‌اند، سایر اصول فاقد شفافیت است و هیچ اجماع حقوقی راجع به قابلیت کاربرد

1. A/RES/72/277, General Assembly, *Towards a Global Pact for the Environment*, 10May2018.

2. [...] Requests the Secretary-General to submit to the General Assembly at its seventy-third session in 2018 a technical and evidence-based report that identifies and assesses possible gaps in international environmental law and environment-related instruments with a view to strengthening their implementation, *Ibid.*, Para 1.

آنها وجود ندارد و در هیچ سند الزام آور حقوقی به رسمیت شناخته نشده‌اند. اثر این امر، محتمل گشتن به کارگیری رژیم‌های بخشی زیست‌محیطی است.

(ب) حقوق بین‌الملل محیط زیست تکه‌تکه و واکنشی، تجزیه شده و فاقد انسجام کلی و قدرت هم‌افزایی میان شمار زیاد نظام‌های هنجاری بخشی است. این امر خلاً بزرگی در هماهنگی تدوین قوانین و اجرای آنها محسوب می‌شود و مستلزم بهبود انسجام میان سیاست‌ها، حمایت‌های دوجانبه و هم‌افزایی آنها در اجراست.

(ج) مشکل برقراری پیوند میان موافقت‌نامه‌های چندجانبه زیست‌محیطی و متون مربوطه به آن به دلیل فقدان شفافیت شکلی و ماهوی شمار زیاد اصول زیست‌محیطی کماکان پابرجاست.

(د) ساختار حاکمیت بین‌المللی محیط زیست دارای نهاد‌های پراکنده و مجموعه‌ای از بازیگران غیرمنسجم است که منجر به بروز مشکلاتی حاد در انسجام و هماهنگی می‌گردند. مراجع و محاکم بین‌المللی گاه بر فقدان اجماع بین‌المللی راجع به اصول زیست‌محیطی تأکید می‌ورزند. اجرای حقوق بین‌الملل محیط زیست هم در سطح ملی و هم در سطح بین‌المللی دشوار است. در بسیاری از کشورها اجرای این حقوق در سطح داخلی با مشکل فقدان قانون‌گذاری مقتضی، کمبود منابع مالی، فقدان فناوری زیست‌محیطی معقول و نبود ظرفیت‌های نهادی روبروست. در سطح بین‌المللی نیز اجرای حقوق بین‌الملل محیط زیست از فقدان شفافیت شمار زیادی از اصول زیست‌محیطی رنج می‌برد.^۱ به همین سبب، تحول نهادی می‌تواند نقش بسیار مهمی را در رفع این کاستی ایفا نماید.^۲

اگرچه معمولاً کمیسیون حقوق بین‌الملل بر اساس ماده (۱۳) منشور ملل متحد، وظیفه تدوین و توسعه حقوق بین‌الملل را بر عهده دارد و همچون بسیاری از موارد، پرداختن به چنین موضوعی را نیز می‌بایست در دستور کار خویش قرار دهد، اقدام باشگاه حقوق دانان فرانسه و میانبری که ایجاد کرد، اگرچه با انتقادات و تردیدهایی روبروست، در مجموع اقدامی درخور توجه

1. A/73/419, *Lacunae du droit international de l'environnement et des textes relatifs à l'environnement: vers un pacte mondial pour l'environnement*, Rapport du Secrétaire général, 13 décembre 2018.

2. Voir: Piette, Jean. "Évolution institutionnelle et modes d'intervention du droit international de l'environnement et du développement." *Revue juridique de l'environnement* 18.1.1993, pp 5-9.

برای پاسخ به کاستی‌های زیست‌محیطی مندرج در گزارش مذکور و نیز دغدغه‌های زیست‌محیطی محسوب می‌گردد.

۲. چتر معکوس پیمان جهانی محیط زیست: از تجمیع اصول قدیمی تا تولد سندی با ارزش جدید

اساساً در نظام بین‌المللی معاصر به طور معمول، نخست کنوانسیون‌های چتری یا کنوانسیون-کادرها به عنوان اسناد بنیادین حقوق بین‌المللی مصوب و متعاقباً از دل آنها معاهدات و موافقت‌نامه‌های دو یا چندجانبه متولد می‌گردد. این روند در حوزه حقوق بین‌الملل محیط زیست معکوس است و نخست معاهدات و کنوانسیون‌های متعدد شکل گرفته و شمار آنها به حدی رو به رشد و افزایش بوده و هست که جامعه بین‌المللی بر لزوم منسجم ساختن آنها تا حد زیادی به اتفاق نظر رسیده است. از این روی، پیش‌نویس پیمان جهانی محیط زیست را می‌توان کنوانسیون چتری دیرنگام، اما امیدبخش در عرصه هنجاری محیط زیست ملل متحد دانست. پیمان به عنوان خروجی باشگاه حقوق‌دانان فرانسه متعاقب ابتکار فرانسه در هفتاد و دومین نشست مجمع عمومی در ۱۹ سپتامبر ۲۰۱۷ در قالب پیش‌نویس قطعنامه مطرح و در ۱۰ مه ۲۰۱۸ با رأی موافق، ۵ رأی مخالف و ۷ رأی ممتنع تصویب شد.^۱ پیش‌نویس از یک مقدمه و ۲۶ ماده تشکیل شده است.^۲ انتظارات از پیمان نسبتاً بالاست؛ به ویژه با حمایت‌های اتحادیه بین‌المللی حفاظت از طبیعت (IUCN) و امانوئل مکرون، رئیس‌جمهور فرانسه، که آن را در سطح مجمع عمومی سازمان ملل متحد مطرح کرد. اما باید دانست هر اصلاحی در گام نخست

۱. کشورهای مخالف این قطعنامه عبارت‌اند از: ایالات متحده آمریکا، روسیه، فیلیپین، سوریه و ترکیه و کشورهایی که رأی ممتنع دادند، علاوه بر جمهوری اسلامی ایران، شامل عربستان سعودی، بلاروس، مالزی، نیکاراگوئه، نیجریه و تاجیکستان. رک:

L'Assemblée générale envisage un pacte mondial pour combler les lacunes du droit international de l'environnement, <https://www.un.org/press/fr/2018/ag12015.doc.htm>

2. Aguila, Yann, and Jorge E. Viñuales. "Le projet de Pacte mondial pour l'environnement de 2017." *Revue juridique de l'environnement* 45.2. 2020, pp 279-307.

ممکن است با نقاط ضعفی نیز همراه باشد که به مرور به تکامل رسیده، پخته‌تر خواهد شد.^۱ پیش‌نویس پیمان ضمن اشاره به برخی اصول قدیمی همچون اصل پیشگیری، اصل احتیاط و توسعه پایدار، اصل آلوده‌کننده پرداخت‌کننده^۲ و اصولی که قبلاً در معاهدات و کنوانسیون‌های زیست‌محیطی بین‌المللی گنجانده شده‌اند،^۳ دربرگیرنده اصول جدیدی چون اصل تاب‌آوری،^۴ عدم واپس‌گرایی^۵ و تأکید بر نقش بازیگران غیردولتی^۶ و نهادهای محلی^۷ در حاکمیت زیست‌محیطی است که نیاز به بررسی دارد:

۲.۱. نقش بازیگران بازیگران غیردولتی و نهادهای محلی در حاکمیت زیست‌محیطی

در حاکمیت زیست‌محیطی، اگرچه معمولاً دولت‌ها به مداخله و مقررات‌گذاری علاقه‌مندند،^۸ لزوم مشارکت دادن بازیگران غیردولتی به دلیل نقص در حاکمیت دولتی و تأکید بر رویکردهای بدون دولت موضوع حائز اهمیت است که در برخی کشورها، نظیر فرانسه، دارای سابقه بوده و سازوکارهای مختلفی برای آن به ویژه در بحث توزیع صلاحیت‌ها پیش‌بینی شده است.^۹ برای مثال، در فرانسه انجمن‌های صالح حمایت از محیط زیست در انجام اقدامات ارگان‌های عمومی

1. Voir: Atta, Kablan Jean-Michel. "Naufrage du Pacte mondial pour l'environnement: les questions de droit. Des lacunes du droit international de l'environnement." *Revue juridique de l'environnement* 45.1 (2020), pp 45-66.

۲. در مورد قدمت این اصل می‌توان به رساله حقوق افلاطون مراجعه کرد که بیان می‌نماید: آب به آسانی به وسیله هر نوع ماده دارویی آلوده می‌شود. بنابراین هر کس عمداً آب را آلوده کند، ملزم به پرداخت غرامتی است که برای پاک کردن چشمه یا مخزن ذخیره آب به مصرف می‌رسد. رک:

گوندلینگ، لوتار و دیگران، *حقوق محیط زیست*، جلد ۲، ترجمه: محمدحسن حبیبی، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۱، ص ۱۴۹.

3. Le club des juristes, vers un pacte mondial pour l'environnement, septembre 2017.

4. Resilience.

5. Non-regression.

6. Non-state actors.

7. Subnational entities.

8. Lardé, Philippe & Zuindeau, Bertrand, "Théorie de la régulation et développement durable: essai d'analyse de la diversité nationale en matière d'environnement et de politiques environnementales", *Géographie, économie, société* 12, no. 3, 2010, pp. 261-278.

۹. مشهدی، علی، *دولت و محیط زیست: از رویکردهای بدون دولت تا رویکردهای مشارکتی*، فصلنامه دولت‌پژوهی، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، سال دوم، زمستان ۱۳۹۵، شماره ۸، صص ۷۳-۶۷.

حمایت از محیط زیست مشارکت می‌نمایند.^۱ ماده (۱۴) پیمان با تأکید بر نقش بازیگران دولتی بیان کرده است: طرفین اقدامات لازم را به منظور تشویق اجرای پیمان حاضر از سوی بازیگران غیردولتی و نهادهای محلی نظیر بازیگران اقتصادی، شهرها و مناطق دارای نقش حیاتی در حمایت از محیط زیست به عمل خواهند آورد. عبارت «بازیگران غیردولتی» در کنار «نهادهای محلی» می‌تواند طیف وسیعی از بازیگران و عناصری را دربرگیرد که از مدیریت کلان زیست‌محیطی گرفته تا حل و فصل منازعات منطقه‌ای زیست‌محیطی می‌توانند نقش‌آفرین باشند. در این راستا، برای مثال، توجه به نقش سازمان‌های غیردولتی نظیر سازمان بین‌المللی استاندارد، سازمان محیط زیست و توسعه زنان، صندوق جهانی حیات وحش، سازمان صلح سبز بین‌الملل و ... حائز اهمیت است. اینگونه سازمان‌ها با در نظر داشتن منافع جهانی و گاه حتی متضاد با منافع و اصول حاکمیتی دولت‌ها برای حفظ محیط زیست در عرصه جهانی تلاش می‌کنند و آن را میراث همه جهانیان در نظر می‌گیرند.^۲ مدیریت زیست‌محیطی در سطوح پایین‌تر، مقامات و مسئولین سیاسی شهر و روستا را شامل می‌شود که اهمیت نقش آنها در آگاهی‌بخشی و کاهش تنش‌های اجتماعی ناشی از منافع زیست‌محیطی پیش‌تر در مورد موافقت‌نامه پاریس^۳ تا حدی مورد توجه قرار گرفته است.^۴

۲.۲. اصل تاب‌آوری

در خصوص تاب‌آوری دو تعریف متفاوت وجود دارد: در تعریف نخست تاب‌آوری به مدت زمانی گفته می‌شود که یک سیستم بعد از دست دادن تعادل خویش در اثر ورود خسارات، برای بازگشت به آستانه تعادل قبلی خویش نیاز دارد.^۵ تعریف دوم نیز بر شرایطی تأکید می‌ورزد که

۱. روش، کاترین، *بایسته‌های حقوق محیط زیست*، ترجمه: علی مشهدی، حسن خسروشاهی و زینب یوسفی، انتشارات خرسندی، ۱۳۹۱، ص ۴۰.

۲. سیمبر، رضا، *سازمان‌های غیردولتی و نفوذ آنها در جامعه جهانی*، اطلاعات سیاسی اقتصادی، آذر و دی ۱۳۷۸، شماره ۱۴۸-۱۴۷، ص ۶۹.

3. Accord de Paris, 2015.

4. Le RC&D rapport, ACTEURS Non-Étatiques: Vers Un Rôle Moteur Dans La Mise En Œuvre De L'accord De Paris, 2017, p. 7.
<http://climatdeveloppement.org/wp-content/uploads/2017/10/RCD-PUBLICATION-2017.pdf>. Visited on 05/05/2019.

5. S. PIMM, "The complexity and stability of ecosystems", *Nature*, vol. 307, 1984, pp. 321-326.

بی‌ثباتی‌ها کارکرد سیستم را تغییر دهند. بنابراین تاب‌آوری در تعریف دوم به حداکثر قدرتی اطلاق می‌شود که سیستم بتواند در برابر این بی‌ثباتی‌ها به کار گیرد تا کارکردش تغییری نکند.^۱ این تعریف متعاقباً به صورت کامل‌تر «تاب‌آوری زیست بومی»^۲ یا تاب‌آوری زیست‌شناختی^۳ نام گرفت.^۴ به نظر می‌رسد، عبارات مندرج در ماده (۱۶) پیش‌نویس پیمان که اشعار می‌دارد: «طرفین اقدامات لازم برای نگهداری و احیای تنوع و ظرفیت اکوسیستم‌ها و جوامع بشری اتخاذ خواهند کرد؛ به نحوی که در برابر اختلال، تخریب‌ها و خسارات زیست‌محیطی مقاوم بوده، به نحوی بازسازی گردد که با آن سازگاری نماید»، با تعریف دوم مطابقت بیشتری دارد.

۲.۳. اصل منع واپس‌گرایی

اصل منع واپس‌گرایی که شاید بتوان به نحو ایجابی آن را «اصل ارتقای حمایت زیست‌محیطی قوانین» نامید، درصدد تبیین و تأکید بر این مطلب است که قوانین آتی مصوب دولت‌ها نباید از حمایتی کمتر نسبت به قوانین ماقبل خود در زمینه حمایت از محیط‌زیست برخوردار باشند. به همین منظور، ماده (۱۷) پیش‌نویس پیمان بیان می‌دارد: «طرفین و نهادهای محلی آنها از تجویز اقدامات یا تصویب هنجارهایی که آثار آن کاهش سطح جهانی حمایت از محیط زیست مورد تضمین قوانین لازم‌الاجراست، خودداری نمایند». بدیهی است، پذیرش چنین اصلی در قوانین داخلی دولت‌ها موجبات رشد نمودار حمایت‌های زیست‌محیطی قوانین را فراهم می‌آورد. در فرانسه، این اصل به نحوی از انحا در قانون شماره ۱۰۸۷ مورخ ۲۰۱۶ تحت عنوان «احیای مجدد تنوع زیستی، طبیعت و چشم‌اندازها»^۵ به رسمیت شناخته شده است. اخیراً نیز اصلاحیه‌ای بر منشور محیط زیست مصوب ۲۰۰۵^۶ در این کشور مطرح شده که صراحتاً در ماده (۲) آن اصل عدم واپس‌گرایی گنجانده شده است.^۱

1. C. HOLLING, "Resilience and stability of ecological systems", *Annual Review of Ecology and Systematics*, vol. 4, 1973, p.55.

2. Ecosystem resilience.

3. Ecological resilience.

4. C. HOLLING, *Engineering within Ecological Constraints*, P. SCHULZE(dir.), chap. Engineering resilience vs. ecological, National Academy Press-Washington (DC), 1996, pp. 31-43.

5. LOI n 2016-1087 du 8 août 2016 pour la reconquête de la biodiversité, de la nature et des paysages.

6. Assemblée Nationale, Amendement N°CD26, :->

۳. تصویب پیمان گامی در راستای اساسی‌سازی^۲ هنجارهای زیست‌محیطی

همسو با دغدغه‌هایی که پیرامون تجزیه و چندپارگی حقوق بین‌الملل^۳ و دلایل متعدد آن، از جمله فقدان نهادهای مرکزی مقتدر، تخصصی شدن حقوق بین‌الملل، مقررات موازی، مقررات رقیب و گسترش قلمرو حقوق بین‌الملل مطرح شده است،^۴ تصویب احتمالی پیمان را می‌توان گامی در راستای اساسی‌سازی برخی از اصول و هنجارهای مهم آن در حوزه حقوق بین‌الملل محیط زیست دانست. اگرچه شاید امکان تحقق کامل الگوی جهان‌شمول کانتی در شرایط کنونی میسر نیست و رفتار دولت‌ها ضمن دفاع از کلیت مقررات اساسی حقوق بین‌الملل، سمت و سویی فردی دارد،^۵ اما از طرف دیگر نمی‌توان شاهد از هم گسیختگی هنجارهای بین‌المللی به ویژه در حوزه محیط زیست بود؛ چرا که پیامدهای منفی این از هم گسیختگی، تشویش و زوال قابلیت پیش‌بینی برای بازیگران بین‌المللی و در نتیجه، تهدید امنیت حقوقی بین‌المللی خواهد بود.^۶ به محض تصویب پیش‌نویس پیمان، نوک پیکان برخی هجمه‌ها و انتقادات آن را نشانده گرفته و بحث‌های گوناگونی در این زمینه مطرح شده است که برخی اساساً کلیت آن را زیر سؤال برده و برخی نیز ناظر بر نارسایی‌هاست. آنچه در وهله نخست حائز اهمیت است، توجه به تفاوتی است که در فراز قبلی بدان پرداخته شد؛ یعنی روند معکوس تصویب کنوانسیون-کادر زیست‌محیطی.

←<http://www.assemblee-nationale.fr/dyn/15/amendements/0911/CI0N-DVP/CD26>, Visited on 02/04/2019.

۱. لازم به ذکر است که پذیرش این اصل در فرانسه با تردیدهایی نیز همراه بوده است. برای مثال متعاقب صدور مجوز اداری بهره‌برداری یکی از باغ‌وحش‌های این کشور و اعتراض دوستداران محیط زیست مبنی بر مغایرت این تصمیم با اصل عدم واپس‌گرایی، دادگاه اداری réunion صراحتاً اعلام کرد که این اصل در مورد تصمیمات موردی موضوعیت نداشته و صرفاً مربوط به قوانین و مقررات عام است. برای مطالعه بیشتر رک: ←

←De Palmas, Laurence Esteve, " le principe de non-régression en droit de l'environnement : premières applications jurisprudentielles ", <https://www.village-justice.com/articles/principe-non-regression-droit-environnement-premieres-applications,27202.html>. Visied on 28/04/2019.

2. Constitutionalisation.

3. Fragmentation of International Law.

۴. مافی، همایون و علی بذار، عوامل احتمالی تجزیه حقوق بین‌الملل با تأکید بر گزارش سال ۲۰۰۶ کمیسیون حقوق بین‌الملل، فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره ۱، شماره ۱۸، ص. ۱۸۸.

۵. فلسفی، هدایت‌الله، حق صلح و منزلت انسانی، تاملاتی در مفاهیم قاعده حقوقی، ارزش اخلاقی و بشریت، مجله حقوقی ریاست جمهوری، ۱۳۸۱-۱۳۸۰، شماره ۲۶ و ۲۷، ص ۹۵.

۶. کدخدایی، عباسعلی و امیر مقامی، پیامدهای خوانش دستورگرایانه از حقوق بین‌الملل، مجله حقوقی بین‌المللی، پاییز و زمستان ۱۳۹۷، شماره ۵۹، ص ۱۲.

طبیعی است که احداث بنا بر زمینی هموار و صاف بسیار آسان‌تر از زمینی ناهموار و دارای ساخت و سازهای قبلی متعدد است. یکی از انتقادات اصلی وارده، عدم ضرورت قانون سخت یا الزام‌آور تلقی کردن هنجارهای زیست‌محیطی است. دغدغه برخی صاحب‌نظران آن است که آیا پیمان در عصر آن‌تروپوسن^۱ جوابگوی بحران‌های اجتماعی-زیست‌محیطی^۲ می‌باشد یا خیر؟^۳ آیا پیمان حاضر نیز همچون منشور جهانی طبیعت، ۱۹۸۲^۴ که با وجود تأکیدات اولیه بر نقش آن سند هنجاری در حاکمیت جهانی زیست‌محیطی در دام نمادگرایی گرفتار آمده است و نتوانسته آنگونه که باید و شاید نقش‌آفرین باشد، دچار رکود خواهد شد؟^۵ توجه به بحث «توسعه پایدار»^۶ اساساً شالوده ایجاد توازن میان هنجارهای زیست‌محیطی و حاکمیت دولت‌ها بر منابع طبیعی و نیاز و میل به توسعه و پیشرفت است. در واقع، با وجود تلاش اسناد بین‌المللی زیست‌محیطی برای تعدیل اصل حاکمیت دولت‌ها در زمینه محیط زیست با تأکید بر اصولی چون «اصل مسئولیت مشترک، اما متمایز»^۷ به منظور همراه ساختن کشورهای در حال توسعه با کشورهای توسعه‌یافته و یا «اصل استفاده معقول و منصفانه از سرزمین»^۸ در اعلامیه استکهلم ۱۹۷۲، دولت‌ها کماکان تمایل خویش بر حاکمیت نسبت به منابع طبیعی سرزمین خود را حفظ کرده و حاضر به تفویض آن به حاکمیتی منسجم و بین‌المللی نبوده‌اند. نیاز کشورها به فعالیت‌های مختلف تجاری و صنعتی و همسو نبودن برخی هنجارهای زیست‌محیطی با آزادی عمل دولت‌ها در این زمینه و محدود ساختن آنها در تلاش برای توسعه‌یافتگی و پیشرفت اقتصادی، یکی از موانع مهم و جدی

1. Anthropocene epoch (l'époque Anthropocène).

2. Lewis, S., & Maslin, M, " Defining the Anthropocene ". Nature, 519(7542), 2015, pp. 171-180.

۳. آن‌تروپوسن هم یک رویکرد است و هم می‌تواند نام یک دوره باشد. از لحاظ تاریخی نام دوره جدید زمین‌شناسی است که از سوی برخی از متخصصان نام‌گذاری شده است. آن‌تروپوسن در واقع دوره زمانی غیررسمی است که به دلیل فعالیت‌های بشری و تغییرات قابل توجهی که در اکوسیستم زمین ایجاد شده، از ترکیب دو واژه آن‌تروپو (انسان) و سن (زمان حاضر) شهرت یافته است. از لحاظ تئوریک و فلسفه اکولوژی آن‌تروپوسن ناظر بر عصر غلبه رویکردهای انسان محور بر مناسبات محیط زیست است. برای مطالعه بیشتر رک:

Crutzen, P. J., and E. F. Stoermer, "The 'Anthropocene'", *Global Change Newsletter*, 2000, 41: 17- 18.

4. The World Charter for Nature of 1982 (La charte mondiale de la nature).

5. J.Kotzé, L. & F. Duncan, "A critique of the Global Pact for the environment: a stillborn initiative or the foundation for Lex Anthropocenae?" 2018, p. 814.

6. Le développement durable.

7. The principle of 'common but differentiated responsibility.

8. The Principle of Equitable and Reasonable Utilization.

این تقابل حاکمیتی و خدشه به حاکمیت بین‌المللی محیط زیست بوده است.^۱ ضرورت ایجاد توازن میان هنجارهای زیست‌محیطی و فعالیت‌های اقتصادی به منظور مدیریت صحیح در این زمینه امری است انکارناپذیر. «امروزه بر تمام کشورها محرز شده است که ورود آنها به بازار رقابتی تجارت بین‌الملل و ارتقای سطح رفاه جامعه نیازمند جذب سرمایه‌های خارجی است. سرمایه‌گذاری‌های خارجی مستقیم علاوه بر این واجد فواید دیگری مانند افزایش تولید و صادرات، کاهش بیکاری و انتقال فناوری به داخل کشور است. به همین دلیل بسیاری از کشورها که خواهان جذب هرچه بیشتر سرمایه به داخل کشور خود هستند، دست به تصویب قوانینی می‌زنند که هرچند سرمایه‌گذاران را تشویق به حضور در آن کشور می‌کند، از سوی دیگر محیط زیست را در بلندمدت به نابودی می‌کشاند».^۲

به عبارت دیگر، میان میل فزاینده دولت‌ها به توسعه و پیشرفت اقتصادی، انجام فعالیت‌های صنعتی، راه‌اندازی کارخانه‌ها و... از یک سوی و هنجارهای زیست‌محیطی خواهان محدود ساختن مداخله انسان در طبیعت از سوی دیگر، همواره تعارضات و کشمکش‌هایی وجود داشته است که یکی از دلایل جدی ممانعت تحقق اهداف زیست‌محیطی محسوب می‌گردد. بنابراین در چنین شرایطی آیا حرکت به سمت الزام‌آور شدن هنجارهای زیست‌محیطی در تضاد با این توازن نیست؟ آیا دولت‌ها را بر آن نخواهد داشت تا در مقابل تکالیف زیست‌محیطی به یکباره آن را از اساس انکار نمایند؟ پاسخ به این ابهام، برای افرادی که به درستی فضای کنونی حاکم بر محیط زیست بین‌الملل را بشناسند، چندان دشوار به نظر نمی‌رسد. وضعیت کنونی هنجاری در عرصه محیط زیست، مجموعه‌ای از هنجارهای نرم و سازگار با شرایط دولت‌ها نیست، بلکه مجموعه‌ای نامنظم، مبهم، تفسیرپذیر و جزیره‌ای از قوانین و مقررات متعدد است. به عبارت دیگر، اگر در تفسیر هنجارهای نرم زیست‌محیطی با ابهام مواجه شویم، چگونه و بر اساس چه اصول پایه‌ای، بنیادین و

1. Voir: Torre-Schaub, Marta. "Les projets de Pacte mondial sur le droit à l'environnement: des dynamiques complémentaires et nécessaires." *Revue juridique de l'environnement* 45.2 .2020: 231-240.

۲. ضیایی، سید یاسر، جایگاه تعهدات زیست‌محیطی در حقوق بین‌الملل سرمایه‌گذاری، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، سال پانزدهم، بهار ۱۳۹۳، شماره ۴۲، ص. ۱۹۵.

الزام آوری باید آنها را تفسیر نماییم؟ پیمان جهانی محیط زیست در صدد ایجاد چنین جایگاه و چنین معیاری بنیادین است که سایر مقررات و هنجارهای نرم در سایه آن تفسیر گردند.^۱

۴. پیمان و حقوق بشر: لزوم تفکیک یا پذیرش درهم تنیدگی آنها؟

پیمان از همان ماده آغازین خویش با تأکید بر «حق بر محیط زیست سالم» رویکرد انسان-محوری یا حقوق بشری خویش را به نمایش گذارده است.^۲ اگرچه امروزه در باور عمومی با رجوع به مقدمه اعلامیه استکهلم ۱۹۷۲ میلادی مبنی بر وجود ارتباط تنگاتنگ محیط زیست طبیعی، رفاه و حقوق بنیادین بشری، از جمله حق بر حیات و تفسیر اصولی نظیر «توسعه پایدار» که به طور ضمنی دربرگیرنده مفهوم محیط زیست سالم است و یا با مطمح نظر قراردادن اصل دهم مندرج در اعلامیه ریو مصوب ۱۹۹۲ میلادی مبنی بر ضرورت مشارکت و دسترسی همه شهروندان به اطلاعات زیست محیطی، تردیدی نسبت به شناسایی این حق وجود ندارد و «اساسی سازی حق بر محیط زیست» در رویه داخلی بسیاری از کشورها نیز مؤید همین امر است،^۳ اما برای نخستین بار سندی جهانی این اصل را به رسمیت شناخته است. حتی در اسناد منطقه‌ای نیز رویه یکسانی مشاهده نمی‌گردد.

کنوانسیون اروپایی حقوق بشر اشاره مستقیمی به حق بر محیط زیست سالم ندارد، لکن دیوان اروپایی حقوق بشر با تفسیر موسع ماده (۸) و بعضاً ماده (۶) کنوانسیون، این حق را به رسمیت شناخته است. برخی اسناد منطقه‌ای همچون منشور آفریقایی حقوق بشر و مردم مصوب ۱۹۸۱ میلادی در ماده (۲۴) خویش با صراحت بیشتری اشعار می‌دارد: «همه مردم حق بر محیط

1. Malviya, Chetna, "Le Rôle Du Pacte Mondial Dans La Protection De L'environnement", Sous La Direction De Madame Sandrine Maljean-Dubois, Mémoire De Maîtrise En Droit International Et Européen De L'environnement, Faculté De Droit Et De Sciences Politiques Aix-Marseille, 2015, pp 103-106.

۲. لازم به ذکر است در باب فلسفه حق بر محیط زیست سالم نظریات مختلفی از جمله نیاز، فایده و ارزش مطرح شده است که در بردارنده رویکردی انسان محور است، لکن در نظریه ارزش طبیعت، با تکیه بر طبیعت-محوری صاحبان حق بر محیط زیست را به سایر موجودات زنده و حتی کره زمین تعمیم می‌دهد. برای مطالعه بیشتر رک:

مشهدی، علی و اسماعیل کشاورز، **تأملی بر مبانی فلسفی حق بر محیط زیست سالم**، دوفصلنامه علمی-پژوهشی پژوهشنامه حقوق اسلامی، سال سیزدهم، پاییز و زمستان ۱۳۹۱، شماره ۲ (پیاپی ۳۶)، صص. ۷۰-۴۷.

۳. مشهدی، علی، **اساسی سازی حق بر محیط زیست در حقوق ایران و فرانسه**، مطالعات حقوق تطبیقی، دوره ۵، پاییز و زمستان ۱۳۹۳، شماره ۲، صص ۵۸۰-۵۵۹.

زیست رضایت‌بخش، یکپارچه و متناسب با توسعه خویش را دارا می‌باشند». ماده (۱۱) پروتکل الحاقی به کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر (سان سالوادور)، مصوب ۱۷ نوامبر ۱۹۸۸، نیز در راستای حق مردم بر محیط زیست سالم، به تکالیف دولت‌های عضو در حمایت، محافظت و ارتقای محیط زیست اشاره می‌نماید. همچنین در چارچوب ماده (۲۴) کنوانسیون حقوق کودک، ۱۹۸۹ تکالیف دولت‌ها نسبت به مبارزه علیه بیماری ناشی از آلودگی محیط زیست طبیعی مطرح شده است. به هر روی، همان‌طور که بیان شد، شناسایی این حق در سطح سندی جامع برای نخستین بار صورت گرفت. برخی در اهمیت این حق تا جایی پیش رفته‌اند که بیان می‌دارند بدون این حق اساساً حقوق بشری وجود ندارد.^۱ نکته حائز اهمیت دیگری که در ارتباط با این حق مطرح می‌شود، آن است که ماده (۱) بیان می‌دارد: «هر شخصی» (toute personne) از حق زندگی در محیط زیستی سالم [...] برخوردار است. بنابراین، رویکرد نسل‌سومی به این حق ندارد، بلکه آن را در زمره حقوق نسل اول تلقی کرده است. همچنین اگرچه تاکنون نگاه تعهد عام‌الشمول (Erga Omnes) به حق بر محیط زیست سالم چندان مورد استقبال نبوده است،^۲ اما ماده (۲) پیمان با تأکید بر تکلیف همگانی توجه به محیط زیست، به نظر می‌رسد درصدد تقویت عام‌الشمولی تعهدات زیست‌محیطی است.

اما نکته حائز اهمیتی که باید مطمئن نظر قرار گیرد، مغایرت یا عدم مغایرت رویکرد انسان‌محوری اسناد زیست‌محیطی با غایت اصلی حمایت از محیط زیست است. برای مثال، اخیراً در رأی دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه کاستاریکا علیه نیکاراگوئه مورخ ۲ فوریه ۲۰۱۸ میلادی، محیط زیست به ماهو محیط زیست مورد توجه قرار گرفته است. دیوان در این قضیه با توجه به اصول حقوق بین‌الملل حاکم بر آثار افعال بین‌المللی نامشروع به ویژه «اصل جبران کامل غرامت»،^۳ بیان کرد که خسارات زیست‌محیطی فی‌نفسه (per se)، علاوه بر هزینه‌های تحمیلی بر دولت قربانی در اثر ورود این خسارات، حق بر جبران آن را به دنبال دارد. پس از طرح مفهوم خسارات محض زیست‌محیطی از جانب دیوان و لزوم جبران این خسارات، بحث بر

1. Fitzmaurice, Malgosia, "The Right to the Child to Clean Environment", 23 *southern Illinois University Law Journal* 1999, pp. 611-656.

۲. مولایی، یوسف، **نسل سوم حقوق بشر و حق به محیط زیست سالم**، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۷، زمستان ۱۳۸۶، شماره ۴، ص ۲۹۳.

3. Le principe de la réparation intégrale.

سر «شیوه‌های ارزیابی» جبران آن مطرح شد. بر این اساس، در ارزیابی خسارات محض زیست‌محیطی که رویکرد انسان‌محوری محض جای خویش را به رویکرد زیست‌محیطی می‌دهد، دیگر مبنای مسئولیت ورود خسارات انسان نبوده و لازم است موضوع را بر مبنای محیط زیست به ماهو محیط زیست تبیین کرد. فایدهٔ چنین رویکردی آن است که حفظ محیط زیست با نگاهی گسترده و فراتر از ورود خسارات به مردم یک منطقه و متأثر ساختن معیشت، سلامت و سایر مؤلفه‌های حقوق بشری در نظر گرفته شده و حمایت از محیط زیست فارغ از سایر مؤلفه‌ها انجام می‌گیرد. در پاسخ به این ابهام باید گفت، رویکرد پیمان منافاتی با رویکرد اخیر دیوان ندارد؛ چراکه حتی در تفسیر فلسفه و غایت رویکرد دیوان باز همه چیز به انسان ختم خواهد شد. اگرچه تفکیک نگاه محض به خسارات زیست‌محیطی حمایت جامع‌تری از محیط زیست پیش‌روی افق جامعهٔ بین‌المللی قرار می‌دهد، اما نمی‌توان حقوق بشر را از محیط زیست مجزا در نظر گرفت و آنها را به طور کلی تفکیک کرد.

نتیجه گیری

تصویب پیمان جهانی محیط زیست پاسخی در راستای رفع کاستی‌های نظام بین‌المللی محیط زیست است که بخش عمده‌ای از آن در گزارش دبیرکل سازمان ملل متحد نیز منعکس شده است. تصویب سندی جامع و الزام‌آور که حقوق و اصول پراکنده زیست‌محیطی را گرد هم آورد و آنها را از تکه تکه بودن، ابهام، پراکندگی و کثرت نجات بخشد. اصلاح ساختار هنجاری نظام بین‌المللی محیط زیست نیاز مبرم و تقریباً مورد وفاق جامعه بین‌المللی بود که از سوی مجمع عمومی سازمان ملل متحد به همت باشگاه حقوق‌دانان فرانسه و پیشنهاد رئیس‌جمهور این کشور صورتی جدی به خود گرفت. با توجه به روند نامطلوب شکل‌گیری هنجارها، معاهدات و اسناد زیست‌محیطی، تصویب پیمان در قالب کنوانسیون کادر معکوس هرچند دیر هنگام اما مناسب بود.

پیمان ضمن در برداشتن اصول قدیمی شناخته شده نظیر اصل پیشگیری، اصل آلوده‌کننده-پرداخت‌کننده، اصل احتیاط و توسعه پایدار و اصولی که قبلاً در معاهدات و کنوانسیون‌های زیست‌محیطی بین‌المللی گنجانده شده‌اند، دربرگیرنده اصول جدیدی چون اصل تاب‌آوری، عدم واپس‌گرایی (اصل ارتقای حمایت زیست‌محیطی قوانین) و تأکید بر نقش بازیگران غیردولتی و نهادهای محلی در حاکمیت زیست‌محیطی است که حائز اهمیت است.

همچنین در پاسخ به انتقادات وارده مبنی بر عدم ضرورت الزام‌آوری هنجارهای زیست‌محیطی، باید در نظر داشت که نظام هنجاری محیط زیست بین‌الملل اصولاً در راستای توسعه پایدار و لزوم توجه به سطح توسعه‌یافتگی متفاوت کشورها نیازمند تدوین هنجارهای نرم است، اما وضع قواعد و اصول بنیادین در این زمینه منافاتی با این موضوع ندارد و در صورت وجود سندی مبنایی، معیار تفسیر و سنجش سایر هنجارها خواهد بود.

موضوع حقوق بشر محوری پیمان نیز نه تنها منافاتی با لزوم توجه به محیط زیست به ماهو محیط زیست و رویکرد جدید دیوان در قضیه کاستاریکا علیه نیکاراگوئه مبنی بر به رسمیت شناختن خسارات محض زیست‌محیطی ندارد، بلکه با تأکید بر حق بر محیط زیست سالم با نگاه نسل اولی حقوق بشر و عام‌الشمول (Erga Omnes) تلقی کردن آن زمینه حمایت هر چه بیشتر همگان از محیط زیست را فراهم آورده است.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

کتاب

۱. بادام فیروز، جلیل و دیگران، *چالش‌ها و مدیریت منابع آب در ایران*، انتشارات فرهنگ مانا، ۱۳۹۷.
۲. روش، کاترین، *بایسته‌های حقوق محیط زیست*، ترجمه علی مشهدی، حسن خسروشاهای و زینب یوسفی، انتشارات خرسندی، ۱۳۹۱.
۳. گوندلینگ، لوتار و دیگران، *حقوق محیط زیست*، جلد ۲، ترجمه محمدحسن حبیبی، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۱.
۴. نبی بیدهدنی، غلامرضا و دیگران، *مفاهیم و پیامدهای تغییر آب و هوا با مروری بر ملاحظات پروتکل کیوتو*، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۶.

مقاله

۵. بیران، صدیقه، *اصلاح ساختار سازمان ملل متحد در زمینه محیط زیست*، فصلنامه راهبرد، پاییز ۱۳۸۵، شماره ۴۱.
۶. جوادی، علیرضا، سیدعباس پورهاشمی و شیرین شیرازیان، *ظرفیت‌ها و محدودیت‌های توسعه و تدوین حقوق بین الملل محیط زیست (با رویکردی انتقادی)*، علوم و تکنولوژی محیط زیست، دوره بیستم، بهار ۹۷، شماره ۱.
۷. سیمبر، رضا، *سازمان‌های غیردولتی و نفوذ آن‌ها در جامعه جهانی*، اطلاعات سیاسی اقتصادی، آذر و دی ۱۳۷۸، شماره ۱۴۸-۱۴۷.
۸. ضیایی، سید یاسر، *جایگاه تعهدات زیست‌محیطی در حقوق بین‌الملل سرمایه گذاری*، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، سال پانزدهم، بهار ۱۳۹۳، شماره ۴۲.
۹. فلسفی، هدایت‌اله، *حق صلح و منزلت انسانی، تاملاتی در مفاهیم قاعده حقوقی، ارزش اخلاقی و بشریت*، مجله حقوقی ریاست جمهوری، ۱۳۸۱-۱۳۸۰، شماره ۲۶ و ۲۷.

۱۰. کدخدایی، عباسعلی و امیر مقامی، **پیامدهای خوانش دستورگرایانه از حقوق بین‌الملل**، مجله حقوقی بین‌المللی، پاییز و زمستان ۱۳۹۷، شماره ۵۹.
۱۱. مافی، همایون و علی بذار، **عوامل احتمالی تجزیه حقوق بین‌الملل با تأکید بر گزارش سال ۲۰۰۶ کمیسیون حقوق بین‌الملل**، فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره ۱، زمستان ۱۳۹۴، شماره ۱۸.
۱۲. مشهدی، علی و اسماعیل کشاورز، **تأملی بر مبانی فلسفی حق بر محیط زیست سالم**، دوفصلنامه علمی-پژوهشی پژوهشنامه حقوق اسلامی، سال سیزدهم، پاییز و زمستان ۱۳۹۱، شماره ۲ (پیاپی ۳۶).
۱۳. مشهدی، علی، **اساسی‌سازی حق بر محیط زیست در حقوق ایران و فرانسه**، مطالعات حقوق تطبیقی، دوره ۵، پاییز و زمستان ۱۳۹۳، شماره ۲.
۱۴. مشهدی، علی، **دولت و محیط زیست: از رویکردهای بدون دولت تا رویکردهای مشارکتی**، فصلنامه دولت‌پژوهی، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، سال دوم، زمستان ۱۳۹۵، شماره ۸.
۱۵. مولایی، یوسف، **نسل سوم حقوق بشر و حق به محیط زیست سالم**، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۷، زمستان ۱۳۸۶، شماره ۴.

پایان‌نامه

۱۶. عبدالله تابار، فروغ، «**ارزیابی اصول حقوق بین‌الملل محیط زیست در ارتباط با توسعه پایدار**»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق، دانشگاه گیلان، شهریور ۱۳۹۴.

ب) منابع انگلیسی و فرانسه

Books

17. Maljean-Dubois, Sandrine, and Lavanya Rajamani, eds. *La mise en œuvre du droit international de l'environnement*. Martinus Nijhoff, 2011.

Articles

18. Aguila, Yann, and Jorge E. Viñuales. "Le projet de Pacte mondial pour l'environnement de 2017." *Revue juridique de l'environnement* 45.2. 2020.
19. Atta, Kablan Jean-Michel. "Naufrage du Pacte mondial pour l'environnement: les questions de droit. Des lacunes du droit international de l'environnement." *Revue juridique de l'environnement* 45.1 (2020).
20. Barchiche, D. et al " Qu'attendre d'un Pacte mondial pour l'environnement ? ", *Iddri, Décryptage*, n°1, 2019.
21. Bartenstein, Kristin. "De Stockholm à Copenhague: genèse et évolution des responsabilités communes mais différenciées dans le droit international de l'environnement." *McGill Law Journal/Revue de droit de McGill* 56.1 2010.
22. C. HOLLING, "Resilience and stability of ecological systems", *Annual Review of Ecology and Systematics*, vol. 4, 1973.
23. C. HOLLING, " Engineering within Ecological Constraints, P. SCHULZE(dir.)," chap. Engineering resilience vs. ecological, National Academy Press-Washington (DC), 1996.
24. Crutzen, P. J., and E. F. Stoermer, "The 'Anthropocene", *Global Change Newsletter*, 2000.
25. Corcelle, Guy. "20 ans après Stockholm: la conférence des Nations Unies de Rio sur l'environnement et le développement: point de départ ou aboutissement." *Revue du Marché Commun* 365.1993.
26. De Palmas, Laurence Esteve, " Le Principe De Non-Régression En Droit De L'environnement : Premières Applications Jurisprudentielles", <https://www.village-justice.com/articles/principe-non-regression-droit-environnement-premieres-applications,27202.html>.
27. Fitzmaurice, Malgosia, "The Right to the Child to Clean Environment", *23 southern Illinois University Law Journal*, 1999.
28. J. Kotzé, L. & F. Duncan, "A critique of the Global Pact for the environment: a stillborn initiative or the foundation for Lex Anthropocena?" 2018.
29. Lardé, Philippe & Zuindeau, Bertrand, "Théorie de la régulation et développement durable: essai d'analyse de la diversité nationale en matière d'environnement et de politiques environnementales", *Géographie, économie, société* 1999 12, no. 3, 2010.

30. Le RC&D rapport, Acteurs Non-Étatiques : Vers Un Rôle Moteur Dans La Mise En Œuvre De L'accord De Paris, 2017, p. 7. <http://climatdeveloppement.org/wp-content/uploads/2017/10/RCD-PUBLICATION-2017.pdf>.
31. Lewis, S., & Maslin, M, " Defining the Anthropocene". *Nature*, 519 (7542), 2015.
32. Malviya, Chetna, " le rôle du pacte mondial dans la protection de l'environnement", sous la direction de madame Sandrine MALJEAN-DUBOIS, mémoire de maîtrise en droit international et européen de l'environnement, faculté de droit et de sciences politiques Aix-Marseille, 2015.
33. Paillon, Nora. "Le Pacte mondial pour l'environnement: un appui à la gouvernance mondiale de l'environnement?." *Revue québécoise de droit international/Quebec Journal of International Law/Revista quebequense de derecho internacional* 31.2 .2018.
34. Piette, Jean. "Évolution institutionnelle et modes d'intervention du droit international de l'environnement et du développement." *Revue juridique de l'environnement* 18.1.1993.
35. S. PIMM, "The complexity and stability of ecosystems", *Nature*, vol. 307, 1984.
36. Torre-Schaub, Marta. "Les projets de Pacte mondial sur le droit à l'environnement: des dynamiques complémentaires et nécessaires." *Revue juridique de l'environnement* 45.2 .2020.

Documents

37. A/73/419, *Lacunes du droit international de l'environnement et des textes relatifs à l'environnement: vers un pacte mondial pour l'environnement*, Rapport du Secrétaire général, 13 décembre 2018.
38. A/RES/72/277, General Assembly, *Towards a Global Pact for the Environment*, 10 May 2018.
39. Le club des juristes, vers un pacte mondial pour l'environnement, septembre 2017.
40. The World Charter for Nature of 1982 (La charte mondiale de la nature).